



مبانی جنگ نرم

در اندیشه مقام معظم رهبری

دکتر محمدرحیم عیوضی - عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
محمود دامیار - کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام
ایوب دامیار - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی



چکیده:

پژوهش حاضر درصدد است معنا، مبنا، چیستی و چرایی جنگ نرم را در بیان و اندیشه رهبر معظم انقلاب مورد پرسش و پژوهش قرار دهد و ابعاد مختلف موضوع را از منظر ایشان مورد واکاوی قرار دهد. بنابراین سوالی که برای این پژوهش در نظر گرفته شده و به آن پاسخ داده خواهد شد، این است که مبانی جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ برای همهی کسانی که دغدغه فرهنگ ایران اسلامی را دارند، در اهمیت و ضرورت پرداختن به ابعاد مختلف موضوع پیش‌گفته تردیدی وجود ندارد. امید است که این تحقیق و تحقیقات مشابه بتواند دغدغه مقام معظم رهبری را که دغدغه کشور، دین، اخلاق، فرهنگ و زندگی است به صورت نظام‌مند و مکتوب به لایه‌های مختلف جامعه منتقل کند و این موضوع برای همگان در قالب مسأله و مشکل طرح شود و همه در جوانب آن تأمل کنند و مصونیت‌های لازم را برای مقابله با آن تدارک ببینند.

کلیدواژگان: جنگ نرم، مقام معظم رهبری، فرهنگ، جامعه، ناتوی فرهنگی

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی و به خطر افتادن استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا، دشمنان اسلام به روش‌های مختلف سعی در مبارزه و براندازی نظام اسلامی داشته‌اند. دشمن که در منطقه و جهان اسلام منافع خود را از دست رفته می‌دید، برنامه مبارزاتی خود را در سطح وسیع پایه‌ریزی و ابتدا از موضع جنگ سخت وارد شد و با باز کردن جبهه‌های متعدد



داخلی و خارجی از قبیل مبارزه مسلحانه منافقین، چریک‌های فدایی، حزب توده و ترور شخصیت‌های ممتاز انقلاب در حادثه هفتم تیر، انفجار حزب جمهوری اسلامی و طراحی کودتای نوژه، حمله نظامی مستقیم به طبرس و جنگ تحمیلی علیه ملت ایران، سعی در نابودی پایه‌های مستحکم انقلاب کرد. اما این انقلاب که با عنایت الهی و فداکاری مردم شریف ایران اسلامی مقاومت هشت ساله خود را رقم زده بود و با دست خالی و تنها با اتکاء به قدرت الهی، دشمن را از سرزمین خود بیرون کرد و با مقاومت شکست را به آنها تحمیل کرد.

دشمن که با بسیج و انسجام گسترده کفر جهانی علیه ایران تصور شکست را نمی‌کرد، با دادن تلفات فراوان و با پذیرش خفت و ذلت، دست به عقب‌نشینی از مرزهای جمهوری اسلامی زد. اما دشمن بار دیگر با ترفندی جدید سعی در ضربه زدن به جمهوری اسلامی نمود، او جنگی نفس‌گیر در حوزه اقتصادی را که در دوران جنگ تحمیلی آغاز کرده بود، تشدید کرد و به محاصره اقتصادی و تحریم‌های گسترده رنگ و بوی جدید داد و در کنار آن جنگ دیپلماتیک، جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی را تقویت کرد که ملت ایران در این زمینه هم با ایمان به اسلام، مقاومت آگاهانه و انسجام درون، کمر استکبار را به خاک نزدیک کرد و یک بار دیگر نقشه دشمن نقش بر آب شد. اما دشمن به دنبال منافع خود، دست از تلاش برداشته و این بار با سلاح فرهنگی اقدام به مبارزه کرد. او با تهاجم گسترده فرهنگی سعی کرد ایمان و مقاومت مردم ایران را در هم بشکند و با انتخاب روش نرم و ترجیح آن بر جنگ سخت، هم‌اورد تازه‌ای را آغاز کرده است. زیرا تهدیدات نرم، پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان بوده و اندازه‌گیری آن مشکل است، در حالی که تهدیدات سخت عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه‌ی برخی از معیارها، اندازه‌گیری کرد. در تهدید نرم، از روش القاء و اقناع‌سازی بهره‌گیری می‌شود، در حالی که روش اعمال تهدیدات سخت، استفاده از زور و اجبار است. در این تهدید، هدف تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرآیند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است. در حالی که هدف در تهدیدات سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین می‌باشد. تهدیدات نرم به دلیل ماهیت غیرعینی و محسوس، عمدتاً فاقد عکس‌العمل است، در حالی که تهدیدات سخت، محسوس و همراه با عکس‌العمل و برانگیختن است. بنابراین دشمن با به راه انداختن جنگ فرهنگی و نرم در مقابل ایران صف‌آرایی کرده است و لازم است شیوه‌ها، ابزارها، اهداف و راهبردهای دشمن را در این مسیر، شناسایی و برای مبارزه با وی تمهیدات لازم را در نظر گرفت.



➤ روش تحقیق

الف) توصیفی، تحلیلی با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای است، با توجه به اینکه این پژوهش عهده‌دار پرداختن به مبانی جنگ نرم می‌باشد. بر این اساس، روش تحقیق در بعد مبانی، به شیوه نظری انجام می‌شود و در بعد عملی، به شیوه کاربردی صورت می‌پذیرد.

ب) نوع تحقیق، نظری و به روش تحقیق در علوم سیاسی می‌باشد.

پ) روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری و مراجعه به منابع دست اول، سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، اینترنت و کتب و مقالات منتشره در مجلات، روزنامه‌ها و غیره می‌باشد.

➤ معنا و مفهوم جنگ نرم

جنگ نرم، در قالب‌ها و شکل‌های مختلف خود، در واقع جدیدترین عرصه نبرد است که بدون شک می‌تواند با توجه به عناصر ویژه خود، به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عرصه‌های نبردهای امروز و آینده باشد و هر کشوری که بخواهد اقدامات کاملی را در عرصه دفاعی خود انجام دهد، به ناچار بایستی به این حوزه قدم بگذارد.

جنگ نرم در برابر جنگ سخت، در حقیقت شامل هر گونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای می‌شود که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه علمی رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی از اشکال جنگ نرم هستند. جنگ نرم، در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آنان را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.

➤ منشأ و پیشینه جنگ نرم

کمیته خطر جاری، عنوان کمیته‌ای است که در دهه ۱۹۷۰ و در اوج جنگ سرد توسط گروهی از سناتورهای آمریکایی، مسؤلان ارشد وزارت خارجه، اساتید برجسته علوم سیاسی، مؤسسه مطالعاتی امریکن اینترپرایز و گروهی از مدیران باسابقه سیا و پنتاگون تأسیس شد. هدف از تأسیس این کمیته، خروج از بن‌بستی بود که در دوران جنگ سرد میان دو ابرقدرت زمان یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در توازن هسته‌ای به وجود آمده بود.

اعضای این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت بین دو ابرقدرت، تنها راه به زانو درآوردن



رقیب را در جنگ نرم و فروپاشی از درون طراحی و به اجرا درآوردند. راهکارهای دکتترین مهار، نبرد رسانه‌ای و سامان‌دهی و نافرمانی مدنی، با عنوان راهبردهای جنگ نرم در این دوره توسط این کمیته معرفی شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، فعالیت این کمیته برای یک دهه به حالت تعلیق درآمد و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، بار دیگر عناصری از این کمیته گردهم آمدند و با تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدات فراروی دولت آمریکا این کمیته را فعال کردند. یکی از اقدامات این کمیته، تدوین راهبرد امنیت‌های آمریکا، جهت یک دوره چهار ساله برای دولت بوش در ارتباط با ایران است.

در گزارش این کمیته آمده است که ایران به لحاظ وسعت سرزمین، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی منابع سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل، به قدرتی بی‌بدیل تبدیل شده است که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی آن را سرنگون کرد. بنابراین به زعم پالمر و اعضای کمیته، تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، پیگیری جنگ نرم با استفاده از «سه تاکتیک دکتترین مهار، نبرد رسانه‌ای و سامان‌دهی نافرمانی مدنی» است. متن این گزارش که به عنوان «ایران و آمریکا، رهیافت جدید» تنظیم شده است، محورهای پانزده‌گانه‌ای را برای چگونگی اجرایی نمودن راهبردهای سه‌گانه پیشنهاداتی ارائه می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت که ماهیت تهدید پس از فروپاشی شوروی، تهدید نرم و تهدیدات هنجاری و فرهنگی است. از دیدگاه نظریه‌پردازان جدید غرب، جهان اسلام و رشد اسلام سیاسی در آن، به مثابه گفتمان غالب در خاورمیانه، چالش اصلی فرهنگ لیبرال دموکراسی است. در این چارچوب و به استناد گزارش کمیته خطر جاری در مورد نحوه برخورد با جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که جلوگیری از روند رو به رشد اسلام‌گرایی و عمق استراتژیک قدرت نرم جهان اسلام در مقابل قدرت نرم جهان غرب، بخشی مهم از محتوای سند استراتژی امنیت ملی آمریکا می‌باشد که جایگزین استراتژی سد نفوذ شوروی شده است. از این دیدگاه، تهدید امنیت‌های آمریکا، تهدیدات نرم، نامتقارن و ترکیبی است که منابع آن در کشورها و رژیم‌های ضد آمریکایی و غیرلیبرال خاورمیانه معرفی شده است (ضیایی‌پروز، ۱۳۸۳).

هدف اصلی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، مقابله با عناصر و مؤلفه‌های قدرت نرم مقوم‌های نظام جمهوری اسلامی است. به طور دقیق، این هدف بر مقابله با عوامل موفقیت ما در مبارزه با رژیم شاهنشاهی و دشمنان خارجی در دفاع مقدس، متمرکز است. این تهاجم به صورت پیچیده و نامحسوس در دوره هشت ساله سازندگی شروع شد، هر چند درک آن برای بسیاری از خواص و نخبگان مشکل بود، مقام معظم رهبری با بهره‌گیری از تجارب تاریخی، صحنه این نبرد را کالبدشکافی کردند. با کمال تأسف، در این دوره هشدارهای رهبری مورد توجه قرار نگرفت. در دوره سازندگی، روشنفکران غرب‌گرا در حوزه نظری، ده‌ها مقاله و نشریه با هدف



به چالش کشیدن عناصر قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی منتشر کردند. متأسفانه نه تنها هیچ عکس‌العمل و مقابله‌ای در این دوره انجام نشد، بلکه برخی از سیاست‌ها و رفتار دولتمردان در این دوره بستر ساز تهاجم فرهنگی شد. در این دوره اصلاحات نیز جنگ نرم، آن‌چنان وضوح و شدت یافت که با جسارت، تمام باورها و ارزش‌های انقلابی و مقدسات اسلامی مورد حمله و اهانت قرار گرفت و متأسفانه بسیاری از کسانی که در دوره اصلاحات مسئول بودند، نه تنها به وظایف خود عمل نکردند، بلکه بخشی از رسانه‌ها به ویژه مطبوعات کشور، مجلس ششم، بخش‌هایی از دولت هفتم و هشتم، در نقش پایگاه و یگان‌های دشمن عمل کردند و با آنان همراهی نمودند. به طور قطع، یکی از پیچیده‌ترین جلوه‌های جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۸ ظاهر شد که به عنوان «فتنه» توسط مقام معظم رهبری نامگذاری شد.

با توجه به مطالب فوق، باید بر این نکته تأکید ورزید که دشمنان انقلاب اسلامی پس از ناکامی در مقابله سخت در دهه اول با جمهوری اسلامی ایران، با برنامه‌ریزی دقیق‌تر به بهره‌گیری از راهبرد تهدید و جنگ نرم روی آورده‌اند.

◀ ناتوی فرهنگی، چهره دیگری از جنگ نرم

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و پایان یافتن جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) دنیا به سمت تک قطبی شدن پیش رفت. از این رو، آمریکا که رقیب اصلی اش (اتحاد جماهیر شوروی) دیگر توان مقابله با او را نداشت، احساس کرد که رقیبی ممتاز ندارد و به همین علت، تلاش کرد سیطره‌ی خود را در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر جهان تحمیل کند. بنابراین به فرهنگ‌سازی جهانی مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی متوسل شد؛ از همین رو، به یک مجموعه مقتدر فرهنگی نیاز بود و شاید از این زمان به بعد، عملاً ناتوی فرهنگی موجودیت یافت. در همین راستا، اندکی پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه پایان تاریخ فوکویاما، استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه جان هاپکینز، در سال ۱۹۸۹ در سطح جهان مطرح شد. وی در مقاله‌اش خاطر نشان می‌کند: «واقعیتی که اینک شاهد عینی آن هستیم، تنها پایان جنگ سرد یا عبور از یک دوران تاریخی جنگ سرد نیست، بلکه این واقعه نقطه پایان تحول ایدئولوژیکی بشری و جهانی سازی لیبرالیسم غربی به عنوان شکل نهایی حکومت بشری است.» همچنین همزمان با نظریه یاد شده، نظریات دیگری مانند موج سوم آلوین تافلر، دهکده جهانی جرج اورول و مک لوهان، برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون، جهانی شدن و جهانی‌سازی رابرتسون، هابرماس، گیدنز و نظریه عدالت جهان راولز به عنوان مکمل‌های نظریه پایان تاریخ فوکویاما مطرح شدند، در نتیجه حس جهان‌شمولی و به تعبیر دیگر احساس کدخدا بودن برای دنیایی که در چارچوب دهکده جهانی گنجانده شده است، سبب شد که ناتوی فرهنگی عینیت یابد.

چستی جنگ نرم

جنگ نرم از لحاظ تاریخی با مفاهیمی همچون فریب، ایجاد تفرقه و تخریب روحیه ارتباط دارد. این مفاهیم در میان راهبردشناسان جنگ در دوران باستان، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. ضمن آن که نمونه‌های استفاده از جنگ نرم را می‌توان در قالب‌های فریب، ایجاد تفرقه و تخریب روحیه دشمن در دوران صدر اسلام نیز یافت. جنگ نرم در مفهوم نوین آن با ویژگی‌هایی از جمله نرم‌افزارگرایی، ذهنیت‌سازی، ته‌سازی از درون، تغییر هویت فرهنگی، تغییر الگوهای رفتاری همراه با الگوسازی رفتاری، ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی و زمینه‌سازی برای ایجاد بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بهره‌گیری از بحران‌های پنج‌گانه سیاسی هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع را شامل می‌شود. «در جنگ نرم، لااقل در مراحل اولیه جنگ، هیچ منازعه فیزیکی و سختی صورت نمی‌گیرد. جنگ نرم از جنس جنگ فرهنگی است. ابزار و ادوات جنگی در این نوع جنگ از سنخ ابزارهای فرهنگی، فکری، اندیشه‌ای و رفتاری است، نه ابزارها و وسایل نظامی. دشمنان در جنگ نرم به دنبال تسخیر باورها و ارزش‌های یک ملت‌اند. تصرف قلب‌ها و مغزها هدف اصلی جنگ نرم است و وقتی نائل شوند، در حقیقت جبهه مقابل را به جبهه خودی تبدیل کرده‌اند.» (شریفی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۶)

به این ترتیب در جنگ نرم، دشمن بر خلاف جنگ سخت به دنبال تسخیر فیزیکی و نظامی کشور نیست، بلکه استیلا و تسلط فکری- فرهنگی اولویت اصلی است. زیرا «هدف جنگ نرم این است که باورها و ارزش‌های جامعه هدف را به گونه‌ای جهت دهد که همچون مهاجمان بیندیشند؛ همچون آنان فکر کنند و هر آنچه آنان خوب می‌دانند، خوب بدانند و هر آنچه را که بد و زشت معرفی می‌کنند، زشت ببینند؛ و نه تنها از همسویی و همفکری با دشمنان قسم خورده‌ی خود احساس شرمندگی نکنند، بلکه با افتخار از آنها یاد کنند.» (همان، ص ۲۷)

به عبارت دیگر، «جنگ نرم، نبردی است که در برابر رقبا و دشمنان اعمال می‌شود و در این مبنا به معنای استفاده از قدرت نرم است، یعنی یک نوع قدرت اغوا کننده و اقناع کننده؛ یعنی تغییر ذهنیت ملت‌ها.» (خطیبی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۲) بنابراین جنگ نرم «امروزه مؤثرترین، کارآمدترین، کم هزینه‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کمترین هزینه و با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف رسید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه، باور و ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید گسترده‌تر و مخرب‌تر است، زیرا دین، فکر و آرمان ملت‌ها را آماج تهاجم خود قرار می‌دهد.» (دانش سیاسی ۲، بی‌تا، ص ۸۴)



تعریف جنگ نرم از دیدگاه رهبری

گستره مفهوم جنگ نرم، وسیع‌تر از تهاجم فرهنگی است و با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک و درهم تنیده‌تر شدن روابط اجتماعی، جنگ نرم محدوده عملیاتی بزرگتری را شامل می‌شود. در محدوده عملیاتی جنگ نرم علاوه بر حوزه فرهنگ، حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی بیولوژیک و محیط زیست نیز قرار می‌گیرد. جنگ نرم نبرد همه‌جانبه، تدریجی، متناوب، متنوع و منطقی است که اهداف داخلی آن دربرگیرنده فروپاشی، براندازی از درون، استحاله و بی‌ثبات‌سازی است. در بعد داخلی، جنگ نرم از تاکتیک‌های متنوع و منطقی استفاده می‌شود که برخی از آنها شامل نافرمانی مدنی، مشروعیت‌زدایی، بی‌اعتبارسازی، اعتمادزدایی از نظام، اختلاف افکنی، ناکارآمد جلوه دادن نظام، ایجاد نارضایتی، القای غم و یأس و وحشت، بحرانی جلوه دادن کشور و غیره می‌گردد که در فازهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت صورت می‌پذیرد.

در بعد بین‌المللی نیز هدف جنگ نرم، مهار و منزوی‌سازی جمهوری اسلامی از طریق اعمال محدودیت و تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و اجماع‌سازی جهانی علیه ایران است. جنگ نرم، سلطه کامل و همه‌جانبه در ابعاد سه‌گانه‌ی حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری مهاجم محقق می‌شود. بی‌تردید، کشور نیازمند یک برداشت و تعریف بومی از این پدیده متناسب با شرایط خاص خود است. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در دو دهه اخیر، مهم‌ترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را جنگ نرم معرفی کرده‌اند. ایشان در این مورد با هدف شناخت بیشتر جامعه و نخبگان، با ادبیات مختلف، جنگ نرم را معرفی و به خوبی تبیین فرموده‌اند. برخی از بیانات ایشان در این خصوص ذکر می‌شود:

«جنگ نرم، یک تهاجم فرهنگی، بلکه یک شبیخون، غارت و قتل‌عام فرهنگی است.» (۷۱/۴/۲۲)

«جنگ اراده و عزم‌ها، سیاست‌ها و تدبیرهاست» (۷۱/۱۲/۲۳)

«جنگ نرم، یعنی ایجاد و تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم» (۸۸/۹/۴)

«جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی و پیشرفته امروزی» (همان)

«جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی.» (همان)

«جنگ نرم، یعنی تهاجم به مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی» (۷۲/۲/۱۵)

«جنگی است برای ناامید ساختن مردم از مبارزه» (همان)

❖ ویژگی‌ها و شاخص‌های جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری

جنگ نرم امروزه مؤثرترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع جنگ علیه ارزش‌ها و امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کمترین هزینه، با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف‌ها رسید. این جنگ نبردی خاموش است و از آن رو که افراد مورد تهاجم بی‌دفاع و غافلگیر و دچار غفلت می‌شوند، خطرناک‌تر است؛ زیرا با باورها، ارزش‌ها، عواطف و احساسات یک ملت در بلندمدت ارتباط دارد. نمونه‌های فراوان از کاربرد جنگ نرم در صفحات تاریخ وجود دارد. برای شناخت هر پدیده بهتر است ویژگی‌های متمایز کننده آن مشخص شود. ویژگی‌های ذیل ناظر بر نقاط افتراق جنگ سخت و نرم است که می‌تواند در شناخت چستی جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری یاری رساند.

۲-۳- ذهنی و غیر محسوس بودن

جنگ نرم برخلاف جنگ سخت، از ماهیت انتزاعی و ذهنی برخوردار است. بنابراین تشخیص به موقع آن دشوار است. لیکن جنگ سخت، محسوس و همراه با عکس‌العمل و برانگیختن است. در جنگ نرم کشف بازیگران، آرایش و گسترش دشمن مشکل بوده و کمتر موجب برانگیختن و عکس‌العمل می‌شود. زیرا به تعبیر رهبری، «در تهاجم نظامی شما طرفتان را می‌شناسید، دشمنان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید.» (۸۸/۸/۱۲) و در موضعی دیگر «جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه این آرمان‌ها و علیه همه آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را؛ اینها را انسان دارد می‌بیند، بهره‌گیری از ابزارهای قانون‌گرایی، حقوق بشر و طرفداری از مردم.» (۷۱/۵/۲۱)

۲-۴- تدریجی و آرام بودن

جنگ نرم طی یک فرایند تدریجی، خزنده و آرام اعمال می‌شود. به عبارت دیگر تحولات فرهنگی و تغییر هویت و ویژگی‌ها و خصائص ملی زمان‌بر و گاهی با تغییرات نسلی هم‌زاد است. تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سر و صدایی است و تغییر هویت واقعی نظام به تدریج و آرام حاصل می‌شود (۸۷/۹/۲۴).



۲-۵- پر شمول و فراگیر

جنگ سخت، اغلب گروه محدودی از افراد جامعه، معمولاً نظامیان را آماج قرار می‌دهد. در حالی که جنگ نرم بر تمامی گروه‌های جامعه تأثیر می‌گذارد. مرجع امنیت، در حوزه جنگ سخت، سرزمین و دولت‌ها است. در حالی که در جنگ نرم مردمان و نخبگان کشور هدف است. تهاجم فرهنگی عرصه‌های متنوع دارد و بالطبع مقابله با آنها نیز متنوع است (۸۲/۲/۲۲).

۲-۶- غلبه بعد فرهنگی جنگ نرم بر سایر ابعاد

اگر چه جنگ نرم همه ابعاد یک سیستم، به ویژه در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لیکن بعد فرهنگی آنها برجسته‌تر از سایر ابعاد است و با دگرگونی هویت فرهنگی نظام سیاسی موجود ناکارآمد گردیده و زمینه‌های فروپاشی آن فراهم می‌شود. اساس کار جنگ نرم بر پایه یک حرکت فرهنگی و روانی است. در این زمینه، می‌توان به عبارات زیر از مقام معظم رهبری اشاره نمود:

«جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی» (۷۸/۱۲/۲۳)

«امروز هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر

پایگاه‌های فرهنگی در کشور است.» (پیام به کنگره جامعه اسلامی دانش جویان در مشهد، شهریور ۸۰)

«جنگ نرم کارزاری فکری، فرهنگی و سیاسی است.» (۶۹/۲/۱۲)

۲-۷- ریشه‌ای و عمیق بودن

جنگ سخت، جز در موارد معدودی، اثرات کوتاه‌مدتی بر جامعه هدف برجای می‌گذارد، در حالی که اثرات جنگ نرم، به ویژه در بعد فرهنگی، اثرات عمیق دارد. زیرا ممکن است موجب دگرگونی و تغییر هویت، روح و سیرت یک نظام سیاسی شود. به تعبیر رهبری، «این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شیخون فرهنگی که انسان در بخش‌های مختلف علائم آن را مشاهده می‌کرد و امروز هم انسان آن را در بخش‌های مختلفی می‌بیند، به این نیت است؛ با این قصد است؛ انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را می‌طلبد.»

۲-۸- پیچیدگی

جنگ نرم پیچیده، چندلایه و چندوجهی است. این جنگ لایه‌های شناختی، عاطفی، هیجانی، اجتماعی، معنوی، روانی و حتی جسمانی مخاطبان را آماج قرار می‌دهد. از همین روی تشخیص آنها کار دشواری است. جنگ نرم محصول پردازش ذهنی نخبگان و اندازه‌گیری آن مشکل است؛ در حالی که جنگ سخت عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها، اندازه‌گیری کرد. امروز آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار

دارد، آرایشی بسیار پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است. مبارزه‌ای پیچیده‌تر و سخت‌تر از مبارزه با دشمنان است (۸۲/۹/۲۶). امروز دشمن با شیوه بسیار زیرکانه‌ای در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام‌عیار فرهنگی علیه ماست (۸۰/۷/۲۳).

۹-۲- هدفمند و سازمان‌یافته

جنگ نرم با سناریوی از پیش تدوین شده و با طرح و نقشه قبلی و همراه با خصومت و دشمنی به سامان می‌رسد. از این روی باید مصادیق جنگ نرم دشمن، از آسیب‌های داخلی که ناشی از ناکارآمدی یا ضعف سیستم است، تفکیک شود. در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است (۷۴/۴/۱۹) و «کسی که صحنه را می‌بیند ملتفت است که دشمن دارد چه کار می‌کند و می‌فهمند که شیخون است و چه شیخونی هم هست.» زیرا «جنگ نرم حمله همه جانبه و سازماندهی شده است.» (۷۰/۵/۲۳) پس جنگ نرم یک اقدام برنامه‌ریزی شده سازمان یافته و بسیار هنرمندانه است.

۱۰-۲- فتنه‌آمیز بودن

در این زمینه، عبارت‌های زیر از کلام رهبری قابل بیان است:

الف. مخلوط کردن کلمه حق با کلمه باطل (۷۴/۱۲/۸)

ب. تبدیل نقاط قوت به ضعف (۷۶/۱۱/۴)

پ. در جنگ نرم دشمن به صورت دوست جلوه می‌کند (۸۸/۹/۲۲)

ت. حقیقت را به شکل باطل و باطل را در لباس حقیقت نشان دادن (۸۸/۶/۳)

ث. ضربه زدن از نقاطی که مردم قدرت تحلیل ندارند (۸۸/۱۱/۱۵)

اصول مقابله با جنگ نرم از دیدگاه رهبری

۱. اصل دستاویزی به مبانی الهی

افسر جنگ نرم به سفارش پیامبر اعظم (ص) همواره به اصول مورد تأکید قرآن و سیره‌ی اهل بیت توجه نموده و در انتخاب‌های فردی و اجتماعی این اصول را خط مشی خود قرار می‌دهد.

۲. اصل اعتماد به وعده‌های الهی

افسر جنگ نرم بر این اعتقاد است که اگر فقط برای رضای خدا تلاش کند، خداوند قطعاً او را در مسیر رسیدن به هدف یاری خواهد کرد.

۳. اصل تکلیف محوری

افسر جنگ نرم همواره در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی به جای نتیجه‌گرایی فقط به انجام تکلیف می‌اندیشد؛ چرا که معتقد است با توکل به خداوند مهربان به وظیفه، نتیجه حاصل خواهد شد.



۴. اصل اعتقاد به ظهور منجی

افسر جنگ نرم در راستای زمینه‌سازی ظهور، همواره بالا بردن آگاهی و بصیرت، دفاع از حق، حمله به شیطان و مبارزه با جهل و کفر را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

۵. اصل دشمن‌شناسی

افسر جنگ نرم با هوشیاری و بصیرت دشمن را شناخته و همواره با دقت و تیزبینی مواضع روش‌های آنان را به منظور طراحی عملیات دفاعی یا تهاجمی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۶- اصل بازی نکردن در زمین دشمن

افسر جنگ نرم همواره با توجه به تدابیر فرمانده، به هیچ وجه در زمین دشمن بازی نکرده و در نقشه‌های دشمن نیز ایفای نقش نمی‌کند.

❖ شاخصه‌های موافقان و مخالفان جنگ نرم

الف) شاخصه‌های موافقان

قوی‌ترین استدلال حامیان جنگ نرم این است که جذابیت آمریکا در جهان مبتنی بر ادراک مشروعیت و اعتبار خط مشی‌های این کشور در داخل و خارج از آن است. هر چند آمریکا، حق کاربرد زور پیش‌دستانه را به عنوان مبنای جنگ به اصطلاح علیه تروریسم برای خود محفوظ می‌داند، اما اعتبار و مشروعیت این خط‌مشی با عدم کشف سلاح‌های کشتار جمعی در عراق، که باعث توجه جدی کل جامعه بین‌المللی شده بود، به شدت آسیب دید. نتیجه چنین خط‌مشی‌هایی به این امر منجر شد که آمریکا به طور روزافزون به دیده یک عنصر خارجی نگریسته شود که هر وقت می‌خواهد به حقوق بین‌الملل متوسل می‌شود و هر وقت نمی‌خواهد آن را نادیده می‌گیرد؛ هر وقت نهادهای بین‌المللی به سودش باشند از آنها استفاده می‌کند و هر وقت مانع طرح‌های این کشور هستند آنها را تحقیر می‌کند. (Hart, 1991)

طرفداران جنگ نرم آمریکایی استدلال می‌کنند که عنصر جهانی به اصطلاح تروریسم، مستلزم راه‌حلی جهانی است و نه راه‌حلی یک جانبه. پیامد یک جانبه‌گرایی آمریکا این است که باعث از بین رفتن توانایی این کشور در «فتح قلوب و اذهان» شده و بدین وسیله قدرت جذابیت آمریکا (قدرت نرم) را کاهش می‌دهد. یک جانبه‌گرایی، آمریکای در حال انزوا را بیش از پیش به خطر می‌اندازد؛ به گونه‌ای که در اوج درگیری این کشور با تروریسم، بقیه جهان تنها نظاره‌گر آن هستند. وضعیت موجود آمریکا به این کشور در بُعد فراملی یعنی جایی که قدرت به شیوه‌ای بی‌نظم توزیع شده و مسائل نظامی به طور فزاینده‌ای ناهمتر از دیده می‌شود شفافیت اعطا نمی‌کند. رهیافت‌های تک‌بعدی مبتنی بر منابع زور و ظلم نظامی آمریکا مفاهیم امنیت مشترک، رفاه مشترک و حکمروایی جهانی را از پایه ویران ساخته است. در واقع، این رهیافت

حکایت از ضعف اقتصادی آمریکا دارد و به نهادهای بین‌المللی که ملزم به اداره جهانی پیچیده‌اند آسیب وارد می‌کند (لی مارت، ۱۹۹۱).

طرفداران جنگ نرم استدلال می‌کنند که بزرگ‌ترین تهدیدها و فرصت‌های جهانی به طور فزاینده‌ای همگرا و فراملی شده، به طرز روزافزونی مستلزم پاسخ‌های همگرایی هستند که از مرزهای حاکمیت ملی فراتر می‌رود. افراد و گروه‌های تروریستی در بعد فراملی می‌توانند به عنوان شبکه‌های مجازی عمل کنند. این شبکه‌ها با استفاده از هزینه پایین فناوری اطلاعات می‌توانند در هر نقطه‌ای از جهان مستقر شوند.

باراک اوباما از موافقان جنگ نرم با اعلام مواضع درباره عراق، افغانستان و دیگر مناطق خاورمیانه طی این چند سال نشان داد که مخالف ورود آمریکا به جنگ‌های کلاسیک با مقیاس بزرگ در خارج این کشور و مدافع جنگ نرم، انقلاب‌های مخملی و هدایت از پشت صحنه است. گروه‌های نزدیک به اوباما خواستار جنگ‌های کم هزینه و تحریم‌های اقتصادی، انقلاب‌های مخملی، کودتا، براندازی، حملات نیروهای ویژه، حملات پهبادی، ترور و هدایت از پشت صحنه هستند؛ همچنین می‌توان به سیاست شوراندن یک دشمن یا متحد علیه دشمن دیگر با امید نابودی یا تضعیف هر دو اشاره کرد. همان‌طور که مصداق آن در استفاده اوباما از ترکیه علیه سوریه به چشم می‌خورد.

ب) شاخصه‌های مخالفان جنگ نرم

استدلال این گروه این است که آمریکا باید از قدرت هژمونیک و تک قطبی‌اش برای ترویج یک ایدئولوژی استفاده نماید تا شرایط جامعه بین‌المللی را به سود منافع ملی خود رقم زند (سریع‌القول، ۱۳۸۸). افزون بر این، مخالفان جنگ نرم این کشور استدلال می‌کنند که ضعف باعث تحریک دولت-ملت‌های ضعیف جهت دستکاری در محیط راهبردی می‌شود. برای نمونه، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، کاندولیزا رایس نوشته است که «قدرت اهمیت دارد، هم اعمال قدرت توسط ایالات متحده و هم توانایی سایرین در اعمال آن» (رایس، ۲۰۰۵). استدلال سایرین نیز این است که سلطه قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا (یعنی قدرت سخت) به این کشور اجازه می‌دهد تا علیرغم مخالفت و بیم متحدانش در تمام ابعاد مدل سه‌بعدی وضعیت را تعیین کند. گذشته از این، رابرت کگان در این زمینه خاطر نشان می‌سازد که آمریکایی‌ها مریخی و اروپایی‌ها ونوسی هستند. طرفداران قدرت سخت (مخالفان جنگ نرم) بر این اعتقاد هستند که آمریکا، مسئولیتی اخلاقی جهت ترویج ارزش‌هایش دارد زیرا این ارزش‌ها مورد درخواست جهانیان است و آمریکا نباید به خودش اجازه دهد که با موافقت‌نامه‌های چندجانبه یا نهادهای بین‌المللی محدود شود. این افراد تأکید دارند که آمریکا باید از منابع قدرت سخت خود در ابعاد نظامی و اقتصادی مدلی سه‌بعدی برای جلوگیری از ظهور مجدد یک رقیب جدید در قدرت سخت استفاده کند. آمریکا از



دستیابی به سلطه جهانی سه هدف دارد:

نخست؛ ایالات متحده باید در صدد القای رهبری خود در ایجاد و حمایت از نظامی جدید باشد که رقبای بالقوه را به این امر متقاعد کند که نباید آرزوی نقشی مهم‌تر داشته باشند. آنها تأکید دارند که برای حمایت از منافع آمریکا این کشور باید موضعی تهاجمی‌تر در پیش گیرد. دوم؛ ایالات متحده باید در حوزه‌های غیردفاعی از منافع کشورهای صنعتی پیشرفته حمایت کند تا آنها را از به چالش کشیدن رهبری آمریکا یا پیگیری براندازی نظم اقتصادی و سیاسی مستقر بازدارد. سرانجام؛ ایالات متحده باید فرایندهایی را برای چشم‌پوشی و انصراف رقبای بالقوه از درخواست نقش‌های جهانی یا منطقه‌ای بزرگ‌تر فراهم کند (ولفویتر، ۱۹۹۲). افزون بر این، مخالفان جنگ نرم (طرفداران قدرت سخت) عموماً بر این اعتقادند که آمریکا باید بر راه‌حل‌ها به عنوان ابزار حل و فصل مشکلات جهانی تأکید ورزد، زیرا جامعه بین‌المللی به خصوص اروپا این دیدگاه را در مورد چگونگی حکمرانی جهانی، نقش نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، و موازنه بین کاربرد زور و دیپلماسی در امور بین‌المللی ندارد (کگان، ۲۰۰۳).

در کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود راهبرد سیاست خارجی آمریکا دارای مؤلفه جذابیت نیست. اجزاء قدرت سخت، از جمله جزء نظامی آن، وقتی که در دوره‌ای طولانی بیش از حد مورد استفاده واقع شود بسیار پرهزینه بوده، می‌تواند به طور ناآگاهانه باعث شرایطی شود که جذبه مبتنی بر قدرت نرم را تضعیف می‌کند و تنها نتیجه‌اش وارونه شدن اثر ناشی از همزیستی دو عنصر قدرت نرم و سخت است.

▣ ابعاد جنگ نرم

۱. ابعاد دینی

می‌دانیم که هویت اصیل مردم ایران، هویت دینی و اسلامی است. اصلی‌ترین نقطه‌ی قوت و برجسته‌ترین ویژگی ملت ما و انقلاب اسلامی، نیز آموزه‌های دینی و دینداری آنان است. از طرفی همان‌طور که اشاره شد، یکی از مهمترین اهداف جنگ نرم، تغییر باورها و ارزش‌های حاکم بر مردم است. از آن‌جا که بسیاری از باورها، ارزش‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی مردم ما نیز متأثر از باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی است، به همین دلیل کلی‌ترین هدف دشمنان در جنگ نرم، حمله به اسلام شیعی و آموزه‌های آن است. از طرفی می‌دانیم که یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی مسأله دین و مذهب است. خدشه وارد کردن به دین و مذهب به معنای خدشه وارد کردن به امنیت ملی و هویت ملی ما می‌باشد. به همین دلیل، بعد دینی جنگ نرم دشمنان، علیه جمهوری اسلامی را می‌توان و می‌باید مهمترین بعد جنگ نرم دانست. (شارب و هلوی، ۱۳۸۶، ص ۳۸)

۲. ابعاد فرهنگی

فرهنگ یک جامعه یعنی تمامیت باورها و ارزش‌های آن جامعه و همچنین آداب و رسوم برآمده از آن باورها و ارزش‌ها. یکی از شگردهای جنگ نرم این است که هویت و فرهنگ اسلامی ما را به صورتی هنرمندانه و نامحسوس، از میان بردارند و یا اینکه دست کم آن را خرد و ناچیز جلوه دهند و آن را عامل عقب‌ماندگی و ایزوله شدن معرفی کنند و مترقی‌ترین تعالیم را به عنوان تعالیم ضد بشریت معرفی نمایند. البته برای تخریب لایه‌های روبین فرهنگ یک جامعه، لازم است لایه‌های زیرین آن، یعنی جهان بینی و نظام ارزشی آن، تخریب یا تضعیف شود. اگر جهان بینی و نظام ارزشی یک جامعه دستخوش تحول و دگرگونی شود، در آن صورت آداب و رسوم اجتماعی و شیوه زندگی آنها نیز دگرگون خواهد شد. خیلی روشن است که با یک جهان بینی اومانیستی و سکولاریستی، نمی‌توان آداب و رسوم و شیوه زندگی اسلامی را حفظ کرد. در جنگ نرم و به منظور ضربه زدن به مبانی اعتقادی و جهان بینی اسلامی بیشتر سعی می‌شود به صورت غیرمستقیم و از راه تغییر ارزش‌ها حرکت کنند، گناه و کارهای خلاف اخلاق، مقدمه بی اعتقادی و تکذیب آیات الهی است.

قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَآؤُوا السَّوْآئِ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»؛ «پس، سرانجام کسانی که مرتکب رفتارهای بد شدند، به جایی رسیدند که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به مسخره گرفتند.»

غریبان نیز از راه ترویج ارزش‌های غربی که در تضاد کامل با ارزش‌های اسلامی است سعی دارند به آن هدف بنیادین خود دست پیدا کنند. ترویج پول پرستی، تجمل‌گرایی، دنیاطلبی و شهرت‌گرایی در جوامع اسلامی نهایتاً مسلمانان را از هویت اسلامی خود دور می‌کند (گیدز،

۱۳۹۲، ص ۱۲۰)

۳- ابعاد اقتصادی

بانک جهانی، تحت نظارت قدرت‌های بزرگ و مستکبران و استعمارگران، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که اقتصاد کشورهای دیگر غیر از کشورهای صنعتی و پیشرفته را به اقتصادی تک‌محصولی تبدیل کند. مثلاً اقتصاد ایران را اقتصادی نفتی کرد؛ در حالی که پیش از آن ایران در تولید محصولات کشاورزی، نه تنها خودکفا بود، بلکه صادرات هم داشت. اما در دوران استعمار نو و هجوم کالاهای غربی به داخل ایران، به گونه‌ای شد که ایران حتی در بخش کشاورزی، به یک کشور تولید کننده مواد خام تبدیل شد. محصولاتی همچون پنبه، توتون، تنباکو را صرفاً تولید می‌کرد؛ بدون آن که خودش توانایی تولید و تبدیل فرآورده‌های آنها را داشته باشد. از طرفی بانک‌های استعماری همچون بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روسیه، در مدتی کوتاه توانستند همه‌ی فعالیت‌های مالی ایران را در اختیار بگیرند. این بانک‌ها، با اعطاء وام‌های



کلان به تاجران و حاکمان و شاهان، فعالیت و برنامه‌های اقتصادی کشور را به طور کامل زیر سلطه‌ی خود گرفتند (سیف، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

اقتصاد نفتی، یا به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقتصاد «اُپکی» موجب می‌شود که هیچ‌گاه نتوانیم برنامه‌ها و ایده‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود را دنبال کنیم. ایشان بارها و بارها بر -ضرورت چند محصولی کردن اقتصاد کشور تأکید کردند. به عنوان مثال، در جمع دانشجویان و استادان دانشگاه امام حسین (ع) در سال ۱۳۷۷ فرمودند: «من بارها شکوه و گله کرده و می‌کنم که هنوز سرنوشت اقتصاد ما بسته به اُپک است! قیمت‌گذاری نفت در اُپک در اختیار ما نیست؛ یعنی یک ملت به این عظمت، اقتصاد، مسائل کشور و گذران روزمره‌اش، ساختن زیربناهای کشورش، وابسته به عاملی است که مطلقاً در اختیار او نیست».

۴- ابعاد سیاسی

هر ناظر بی طرفی این حقیقت را تصدیق می‌کند که یکی از مردمی‌ترین و بلکه مردمی‌ترین حکومت در سطح دنیا، حکومت جمهوری اسلامی ایران است. همراهی مردم و مسئولان در نظام جمهوری اسلامی بر باورهای دینی و اسلامی آنان استوار است. مردم ما از عمق جان و بر اساس باورهای عمیق دینی خود از حکومت اسلامی و مردم‌سالاری دینی دفاع می‌کنند. بدون تردید تا «مقبولیت» مردمی حکومت دینی برقرار باشد، فرمول جنگ نرم در عرصه سیاسی، نه تنها کاربردی نخواهد داشت، بلکه نتیجه عکس می‌دهد. به همین دلیل، تئوریسین‌های جنگ نرم تلاش می‌کنند که ارتباط وثیق اعتقادی را از طریق ایجاد شبهه در مشروعیت دینی نظام اسلامی و عرفی و عادی جلوه دادن حکومت دینی سست کرده و از میان بردارند و در نتیجه، ارتباط ایمانی و عمیق میان مردم و رهبری را به ارتباط طبیعی و عادی تبدیل کنند. (پایگاه خبری

تحلیلی فرارو، ۴ آذر ماه ۱۳۸۸)

۵. ابعاد اجتماعی

وجود مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بیشترین کمک را به دشمنان در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. به همین دلیل است که یکی از مهمترین زمینه‌های موفقیت جنگ نرم دشمنان علیه جمهوری اسلامی، برجسته کردن آسیب‌ها و نقاط آسیب‌خیز جامعه است. مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۸۷/۷/۱۰ در این باره فرمودند: «یکی از کارهای دشمن این است که نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را نمی‌گوییم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد، بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقی‌های بدبینانه نسبت به نظام را گسترش بدهند. به زور می‌خواهند این یأس را به جامعه القا کند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویایی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان

و پرنشاط، منزوی می‌شوند، کناره‌گیری می‌کنند، دست و دل‌شان به کار نمی‌رود، مشارکت‌ها کم می‌شود، پویایی جامعه از دست می‌رود، این یکی از خطوط کاری دشمن است.»

۶. ابعاد حقوقی

اربابان نظام سلطه می‌کوشند از طریق قوانین و مقررات بین‌المللی، اهداف موردنظر خود را در کشورهای هدف عملیاتی کنند. یکی از این اقدامات این است که سعی می‌کنند دوره‌های آموزشی را به منظور مصوبات سازمان ملل، در کشورهای هدف و با کمک دولت‌ها برگزار نمایند. هدف اصلی از برگزاری چنین دوره‌هایی تغییر در باورها و ارزش‌ها و فرهنگ عمومی سبک زندگی جامعه هدف و جایگزینی ارزش‌ها و باورها و فرهنگ لیبرال غربی است که سعی کرده‌اند، آنها را در قالب قوانین مقررات بین‌المللی در سراسر جهان اجرایی کنند.

۷. ابعاد عاطفی

یکی دیگر از شگردها و شیوه‌های جنگ نرم، تحریک احساسات مردم علیه کارگزاران و مسئولان کشور است که این شگرد، همواره از سوی مخالفان حکومت‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، معاویه برای برپایی فتنه‌ی صفین از پیراهن خون‌آلود عثمان و انگشتان قطع شده‌ی نائله، همسر عثمان، بهره‌ای بسیار برد. به مدت یک سال، پیراهن خون‌آلود خلیفه را بر منبر آویخت و گاه نیز در انظار عمومی، آن را بر-تن می‌کرد. معاویه آن قدر با احساسات دینی مردم بازی می‌کرد که گروهی از مردم شام با خود عهد کردند تا وقتی قاتلان خلیفه را به سزای اعمال‌شان نرسانند، از همسران خود کناره بگیرند و آسایش و راحتی را بر خود حرام کنند! بسیار روشن بود که معاویه هرگز دنبال خون‌خواهی عثمان نیست، فقط می‌خواهد با این مسئله، احساسات مردم را برانگیزاند تا به مطامع دنیوی خود برسد.

این شگرد هم اکنون نیز از سوی سردمداران فتنه، علیه انقلاب اسلامی ایران، به خوبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. داستان کشته‌سازی و مظلوم‌نمایی جنبش سبز، در حوادث بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، شرکت سران فتنه و ساده‌لوحان قدرت‌طلبی که ابزار دست فتنه‌گران واقع شدند در مراسم ختم افرادی که زنده بودند، تشکیل ستادهای جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی از سوی سران فتنه، از جمله فعالیت‌هایی بود که عمدتاً به منظور تحریک احساسات مردم و خواسته یا ناخواسته به قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد

(شریفی، ۱۳۸۸، صص ۹۰-۹۲).



◀ چرایی جنگ نرم

۱. ناکارآمدی جنگ سخت

نخستین علت روی آوردن غرب به جنگ نرم را باید در ناکارآمدی جنگ سخت جستجو کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دنیای غرب به درستی متوجه شد که این انقلاب شکوهمند، منافع حیاتی (اعم از کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت) آنها را در میان ملت‌های مستضعف جهان مورد تهدید قرار داده است. بنابراین طبیعی بود که آنها تلاش کنند به هر نحو ممکن به نابودی انقلاب اسلامی و نظام نوپای برآمده از آن پردازند. در این مرحله غرب از سه شکل متفاوت از جنگ سخت برای ستیز با انقلاب اسلامی استفاده کرد: جنگ مسلحانه داخلی، حمله مستقیم و کودتا و جنگ تحمیلی

۲. مقابله با موج بیداری ملت‌های دنیا

نتیجه طبیعی پیروزی انقلاب اسلامی، موج بیداری ملت‌های دنیا بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ملت‌های مظلوم دنیا به این نتیجه رسیدند که استکبار جهانی، دیگر توانایی لازم را جهت حفظ منابع حیاتی و البته نامشروع خود، در مناطق مختلف جهان ندارد. به ویژه پس از سقوط شوروی سابق و اردوگاه کمونیسم، ابهت ابرقدرت‌ها در چشم ملت‌ها شکست و به این ترتیب زمینه برای مقابله با سیاست‌های یک جانبه‌گرایانه ایالات متحده آمریکا در سراسر جهان فراهم شد. در چنین شرایطی بهترین راهکار برای واپایش (کنترل) موج بیداری ملت‌های دنیا به ویژه مسلمانان سراسر جهان نبود ساختن منشأ این بیداری نظام جمهوری اسلامی بود. البته آشکار است که به سلطه درآوردن این موج، با اقدام‌های نظامی ممکن نیست و به همین دلیل رویکردهای نرم‌افزار گرایانه در دستور کار قرار گرفت.

۳. گسترش ابزارهای ارتباطی

سومین عامل در چرایی جنگ نرم به استفاده از ابزارهای ارتباطی جدید مربوط می‌شود. این نکته که جنگ سخت دیگر کارآمد نیست، ضمن آن که به تجربه غرب در شکست‌های متمادی در این زمینه برمی‌گردد، بحث هزینه را نیز مطرح می‌سازد. هزینه اقدام‌های نظامی زیاد است و در عین حال تشویق هم به افزایش هزینه‌ها می‌انجامد. ابزارهای ارتباطی جدید تا حدی توانسته است این مشکل را رفع کند و از این رو، دشمن از سرزمین خود به تبلیغ و گسترش فرهنگ خود مبادرت می‌ورزد بدون آن که هزینه گزافی را متحمل شود. این ابزارها به مثابه جایگزینی برای اقدام‌های نظامی درآمده‌اند و به صورت هماهنگ‌تر عمل می‌کنند. ضمن آن که فرماندهی و هدایت چنین ابزارهایی به مراتب راحت‌تر از فرماندهی یگان‌های نظامی و ادوات جنگی در میدان‌های نبرد سخت است.

۴- پیشرفت‌های نظامی و فناورانه ای جمهوری اسلامی ایران

عامل تأثیرگذار دیگری که فضا را به سمت جنگ نرم سوق داده است، پیشرفت‌های نظامی و فناورانه‌ی جمهوری اسلامی ایران است. از سویی، غرب به این دلیل با جمهوری اسلامی در تقابل است که جمهوری اسلامی با پیشرفت‌های از نظر علمی و فناوری، به وادی‌هایی گام نهاده که در آن وادی‌ها، غرب یکه‌تازی می‌کرده است و نمونه آشکار این مورد، دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است. از سوی دیگر، پس از انقلاب اسلامی، دشمن سعی کرد کشورمان را از هر گونه دسترسی به تجهیزات نظامی بازدارد. در طی جنگ نیز راهبرد کارتر بر این استوار بود که ایران را از دریافت اسلحه و به ویژه قطعات یدکی سلاح‌های ساخت ایالات متحده محروم نگه دارد. اما به مرور و در نتیجه تحریم‌های غرب، نیاز به تلاش در داخل کشور برای خودکفایی در زمینه تولید ادوات جنگی بر همگان مسجل شد و به این ترتیب، نیروهای داخلی فعالیت‌های خود را جهت طراحی و تولید انواع سلاح‌های نظامی آغاز کردند. در نتیجه، ایران به پیشرفت‌های فراوانی در زمینه نظامی دست یافت که موشک‌های پیشرفته دوربرد هم جزئی از آنان بود.

۱۲. آثار جنگ نرم بر فرهنگ از دیدگاه رهبری

در این زمینه، رهبر انقلاب اسلامی دیدگاه‌های شفاف‌ی دارند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود: «امروز ملت ما در مقابل خود، جبهه‌ی گسترده‌ای را ملاحظه می‌کند که با همه توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری بیندازد. از اول پیروزی انقلاب، همان جبهه سعی‌اش این بود که نگذارد جمهوری اسلامی که مولود انقلاب است پا بگیرد؛ همه تلاش خودشان را کردند که جمهوری اسلامی را از بنیان نگذارند رشد کند، و البته نتوانستند. اقدام سیاسی کردند، محاصره اقتصادی کردند، جنگ تحمیلی را هشت سال بر این مدت تحمیل کردند، دشمنان این ملت را تجهیز کردند، وسوسه‌های درونی را به جان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی انداختند، نتوانستند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از محتوای نظام هرچه می‌توانند کم کنند این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شبیخون فرهنگی که انسان در بخش‌های مختلف علائم آن را مشاهده می‌کرد و امروز هم انسان آن را در بخش‌های مختلفی می‌بیند به این نیت است با این قصد است که انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را می‌طلبد» (۸۷/۱/۲۸)

«این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه استکبار با نظام جمهوری اسلامی دیگر از نوع مواجهه دهه اول انقلاب نیست. در آن مواجهه زور آزمایی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه سخت بود، ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب، کودتا راه انداختند، شکست خوردند. شورش‌های



قومی راه انداختند سر کوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید شکست خوردند، پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است، البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه جوانب باشد اما این اولویت استکبار در مواجهه با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم! یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی به وسیله نفوذ، دروغ و شایعه پراکنی با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده، جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم.» (۸۸/۹/۴)

«این حرکت عظیمی که با انقلاب اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام شده نیست؛ مطلقاً تمام شده نیست، آن حرکت ادامه دارد. همین‌ی که حالا معمول شده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من بعد از جنگ - از سال ۶۷. همیشه این را گفته‌ام، بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه راه می‌بینم تجهیز راه می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب، علیه امام و علیه همه این آرمان‌ها و علیه همه آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را این‌ها را انسان دارد می‌بیند خب چه کار کند؟ این تمام نشده چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه مجموعه فرهنگی ادبی و هنری هم وظیفه مشخصی است بلاغ تبیین بگویید، خوب بگویید، من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید، نباید کم گذاشت، تا اثر خودش را بکند.» (۸۲/۲/۲۲)

«از همان سال‌های هفتاد و سه، هفتاد و چهار، هفتاد و پنج و هفتاد و شش روز به روز این تقابل شدیدتر شد. رخنه‌افکنی در مبانی اعتقادی و ارزشی نظام در سطوح مختلف شروع شد حتی در خود انقلاب و حتی در ریشه‌های عمیق‌تر انقلاب مانند اسلام، عاشورا، تشیع و جدا نبودن دین از سیاست که جزو مبانی مسلم فکری در نظر متصدیان انقلاب و روشنفکران کشور و پیشروان این حرکت عظیم بود، شبهه‌افکنی و تردیدافکنی به شکل همه‌جانبه عمیق شروع شد. سمینارها تشکیل دادند، کنگره‌ها تشکیل دادند، نشریات تخصصی در این زمینه در خارج از کشور به وجود آوردند و هر چه هم توانستند در داخل کشور از پایگاه‌هایی که ممکن بود در اختیار آن‌ها باشد و در اختیارشان بوده استفاده کردند آنها (آمریکا) در آن دوره ده ساله اول (پیروزی انقلاب) با توطئه براندازی سخت، جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی هر کدام به نحوی برای ملت ایران و جمهوری اسلامی یک فرصت شد این ابرهای تیره‌ای که آن‌ها روی سر ملت ایران راه انداختند، در دل خود، برای ملت ایران

باران‌های نافی داشت. جنگ، ما را مصمم و استوار کرد؛ تحریم اقتصادی ما را به فکر اتکای به خود انداخت و همه این برکات را برای ما آورد. در دوره بعد، براندازی نرم را دنبال کردند -تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی- که آن هم به جایی نرسید و بعد از سال‌های متمادی نتیجه این شد که حالا یک دولت متکی به اصول و با شعار اصول سرکار می‌آید، که پیداست تهاجم فرهنگی نتوانسته آن کاری که آنها می‌خواستند بکنند بعد از این همه توطئه‌های دیگر در راه است، که ما باید خودمان را مصون کنیم.» (۸۵/۳/۲۹)

در جمع‌بندی چرایی منشاء جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی می‌توان گفت که مقام معظم رهبری، بر دو دلیل اصلی به عنوان منشأ جنگ نرم و چرایی به وجود آمدن جبهه عظیم فرهنگی در برابر جمهوری اسلامی تأکید دارند که عبارت است از:

۱. شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام اسلامی
 ۲. عمیق‌تر و پیچیده‌تر شدن ریشه‌های نظام اسلامی
- براساس دلایل یاد شده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با توجه به ناکامی دشمن در مقابله سخت (شورش‌های قومی، کودتا و جنگ تحمیلی) با نظام جمهوری اسلامی همچنین عظمت و اقتدار نظام در ابعاد مختلف و سه دهه تجربه بر آن در مقابله دشمن، احتمال تکرار برخورد سخت تضعیف شده و دشمن برای مقابله با نظام روش‌های خود را پیچیده‌تر نموده است؛ همچنان که ریشه‌های نظام جمهوری اسلامی عمیق‌تر و پیچیده‌تر شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد، به منظور درک اساسی از مقوله جنگ نرم و غرب علیه جمهوری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، چیستی، چرایی، اهداف، ابعاد و مبانی راهکارهای آن مورد بررسی قرار گیرد که نتیجه‌گیری آن در چند بند ذیل تلخیص می‌گردد:

۱. جنگ نرم از جمله مسائلی که در عصر ما، به یکی از مباحث جدی در میان صاحب‌نظران تبدیل شده و بسیاری از اهل علم و فن، اعتقاد دارند که در زمان ما، جنگ نظامی جای خود را به جنگ نرم داده و قدرت‌ها تلاش می‌کنند از راه تأثیرگذاری بر رسانه‌ها مثل مطبوعات، ماهواره، دنیای مجازی و مراکز آموزشی کنترل افکار عمومی را در دست گرفته و به این ترتیب بر کشورهای موردنظر مسلط شوند.
۲. هدف اصلی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، مقابله با عناصر و مؤلفه‌های قدرت نرم و مقوم‌های نظام جمهوری اسلامی است. به طور دقیق، این هدف بر مقابله با عوامل موفقیت ما در مبارزه با رژیم شاهنشاهی و دشمنان خارجی در دفاع مقدس، متمرکز است.



۳. جنگ نرم، نبردی که در برابر رقبا و دشمنان اعمال می‌شود و در این مبنای به معنای استفاده از قدرت نرم است، یعنی یک نوع قدرت اغوا کننده و اقناع کننده، یعنی تغییر ذهنیت ملت‌ها. بنابراین جنگ نرم امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کمترین هزینه و یا حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف رسید.

۴. جنگ نرم، یک تهاجم فرهنگی، بلکه یک شیخون فرهنگی، غارت و قتل عام فرهنگی است.

۵. جنگ نرم، جنگ اراده و عزم‌ها، سیاست‌ها و تدبیرها است.

۶. جنگ نرم به وسیله دروغ، نفوذ و شایعه‌پراکنی و جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی و پیشرفته امروزی پیش می‌رود.

۷. جنگ نرم، مجموعه تحولاتی است که هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی را دگرگون سازد.

۸. جنگ نرم، سلطه‌ی کامل و همه جانبه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزین کردن الگوهای رفتاری مهاجم محقق می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در دو دهه اخیر، مهمترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را جنگ نرم معرفی کرده و آن را جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی و پیشرفته امروزی، به وسیله دروغ، نفوذ و شایعه‌پراکنی تعریف نمودند.

بنابراین هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختارهای جدید می‌باشد. با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا کرده و مدل‌های چالشی جایگزین آن می‌شود. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش برمی‌خیزند که آن را مشروع ندانند و از نظر آنان، مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی در جامعه هدف، از کارویژه‌های اصلی جنگ نرم به حساب می‌آید.

پیشنهادهای

الف. بحث جنگ نرم باید در جامعه، نه تنها برای نسل امروز بلکه برای آیندگان نیز روشن شود و با یک فرهنگ‌سازی قوی و غنی در این مورد گام بردارند.

ب. حمایت همه جانبه مسئولین نظام اعم دینی و دانشگاهی در این امر می‌تواند جلوه‌های بسیار خوبی را درباره این مسئله برای افراد جامعه به وجود آورد.



ج. همه‌ی مسئولان ارشد جامعه ایران اسلامی باید مقوله جنگ نرم در تمام مراحل کاری خود مدنظر و جدی بگیرند.

د. انتشار کتاب‌هایی درباره جنگ نرم و ارائه آن به نسل جوان امروز می‌تواند نفوذ ایدئولوژی‌های خلاف جامعه اسلامی را در جوانان که آینده‌سازان جامعه اسلامی می‌باشند، کمتر کند و یک سیستم فکری قوی و عقیدتی برای آنان به وجود آورد.

منابع

کتاب:

- ۱- احمدی، مجتبی، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین، ۱۳۸۸.
- ۲- اسماعیلی، علی محمد، جنگ نرم در همین نزدیکی، تهران، ساقی، ۱۳۸۹.
- ۳- پایگاه خبری تحلیلی فرارو، ۴ آذر ماه ۱۳۸۸.
- ۴- جمعی از مؤلفان، دانستنی‌های سیاسی ویژه جنگ نرم، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، معاونت سیاسی.
- ۵- جهانی کردن فقر و فلاکت، گردآوری و ترجمه احمد سیف، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.
- ۶- شارب، جین، هلوی، رابرت، جامعه مدنی، مبارزه مدنی، تهران، مرکز مطالعات استراتژیک، ۱۳۸۶.
- ۷- شریفی، احمد حسین، موج فتنه از جمل تا جنگ نرم. تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.
- ۸- ضیایی پرور، حمید، جنگ نرم، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل، ۱۳۸۳.
- ۹- گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، ۱۳۹۲.
- ۱۰- مختارپور قهرودی، علیرضا، شرح ماجرا (مروری بر دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) پیرامون فتنه ۸۸)، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۱۱- نای، ژوزف، قدرت نرم و ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌المللی، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امان صادق (ع)، ۱۳۸۹.

مقالات:

- ۱- عملیات روانی، سال پنجم، شماره، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، زمستان ۸۶.
- ۲- خطیبی، مریم، جنگ نرم؛ تغییر تصاویر ذهنی ملت‌ها، مصاحبه با عبدالرضا داوری، هفته نامه پنجره، سال اول، شماره ۲۱، ۸/۹/۸۴.
- ۳- لطفی پاکده، لطفعلی، براندازی نرم (مجموعه مقالات)، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
- ۴- ماه پیشانیان، مهسا، راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۸، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، زمستان ۸۶.

